

نقش بنیادین مهدویت در رویکرد تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری

عزالدین رضا نژاد^۱
قنبرعلی صمدی^۲

چکیده

یکی از رخدادهای مهم قرن اخیر، وقوع انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران است. این انقلاب که در باورهای اصیل دینی و عقیده به مهدویت ریشه دارد، به دلیل ماهیت فرهنگی و تمدنی آن، تأثیرات عمیقی در نگرش‌های عمومی نسبت به مقوله دین، فرهنگ، حکومت، سیاست، اقتصاد و سبک زندگی داشته و الگوی جدیدی را در عرصه حکمرانی اسلامی با رویکرد تمدنی، در جهان عرضه کرده است. این گفتمان، بر شالوده‌های فکری اصیل اسلامی و آرمان تمدن ساز مهدویت مبتنی است. گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی، دارای مختصاتی است که توسط حضرت آیت الله خامنه‌ای بازگو شده است. مقاله حاضر با روش تحلیلی- توصیفی، به بررسی جایگاه اندیشه مهدویت در شکل‌گیری گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی و جلوه‌های تأثیرگذاری آن پرداخته و با الهام از بیانات رهبر حکیم انقلاب، شاخص‌های گفتمان معطوف به مهدویت را مورد توجه قرار داده و مختصات کلی گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی را حاکمیت دینی، عقلانیت انقلابی و عدالت اجتماعی، بر شمرده است.

واژگان کلیدی، مهدویت، گفتمان، تمدن، عقلانیت، انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه‌ای.

۱. مقدمه

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران به دلیل تأثیرات فرهنگی و تمدنی آن بر عرصه جهانی، از مهم‌ترین رخدادهای دوران معاصر شمرده می‌شود که تعریف جدیدی از حکومت دینی و سبک زندگی، عرضه کرد و نگرش‌های موجود نسبت به کارکردهای فرهنگی و سیاسی دین را در انظار جهانی تغییر داد و زمینه را برای بیداری و حرکت تمدنی امت اسلامی فراهم کرد. این انقلاب دارای ویژگی‌ها و مختصاتی است که مهم‌ترین آن، بعد فرهنگی و تمدنی آن است. رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی، در باورهای دینی و آرمان تمدنی نهفته در آموزه مهدویت ریشه دارد؛ اندیشه و مکتب‌ها که پیام آور عدالت، آزادی، کرامت، عقلانیت و تکامل مادی و معنوی برای انسان‌ها است؛ همان مفاهیم مقدسی که انبیای الهی، جامعه بشری را بدان فراخوانده‌اند و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با فراهم شدن اوضاع، این آرمان‌های متعالی را محقق می‌سازد. نگاه جامع و رهبردهای روشن گرایانه رهبر حکیم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای در زمینه ماهیت گفتمان انقلاب اسلامی و پیوند آن با مهدویت، می‌تواند چراغ راه حرکت انقلاب اسلامی در این مسیر باشد. ایشان، در مناسبت‌های مختلف، مختصات و شاخصه‌های گفتمان انقلاب اسلامی را تبیین کرده و برجسته‌ترین ویژگی آن را، رویکرد تمدنی معطوف به آرمان مهدوی، برشمرده است.

تبیین ماهیت و آثار و مقاصد گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی، نیازمند نگاه جدید و رویکرد تمدنی به عرصه‌های مختلف زندگی است. از این نظر، بحث در این موضوع، به صورت کلی، از دیر باز مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده و هرکدام درباره چگونگی حیات اجتماعی و تمدنی بشر، به چاره اندیشی پرداخته است؛ اما این بحث به صورت نظریه‌ای نظام‌مند، تحت عنوان «تمدن نوین اسلامی» توسط حضرت آیت الله خامنه‌ای، مطرح و به سامان رسیده است. طرح ایده تمدن نوین اسلامی از سوی آیت الله خامنه‌ای، در حقیقت کلید واژه و تولید مفهوم جدیدی است که اهداف و راهبردهای میان مدت و بلند مدت گفتمان انقلاب اسلامی را تبیین و افق‌های جدیدی را حول این گفتمان، پدید می‌آورد.

مقاله حاضر، با نگاه تحلیلی، به بررسی ماهیت تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی و جایگاه اندیشه مهدویت در شکل‌گیری این رویکرد، با استناد به بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت



آیت‌الله خامنه‌ای، می‌پردازد.

۲. پیشینه بحث

نگاهی به پیشینه مطالعاتی موضوع، نشان می‌دهد که موضوع رابطه مهدویت و انقلاب اسلامی و نیز تأثیرات متقابل این دو، اگرچه به صورت خاص از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، کم‌تر مورد عنایت بوده؛ این موضوع به صورت عام، در پژوهش‌های موجود مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه، به تعداد از مقالاتی که بررسی برخی از ابعاد این موضوع پرداخته‌اند، اشاره می‌شود.

۱. «انقلاب اسلامی و نقش مهدویت و انتظار در امید و بیداری ملت‌ها» نوشته نفیسه فاضلی نیا (فاضلی نیا، ۱۳۸۷: ص ۲۸۷-۳۱۰). در این مقاله که در جلد دوم مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکتربین مهدویت، به چاپ رسیده است؛ نویسنده ضمن بیان ویژگی‌های کلی انتظار شیعی، برخی از تأثیرات عملی آموزه انتظار را در گفتمان انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داده و انقلاب اسلامی ایران را بخشی از کل انقلاب مداوم پیامبران الهی برای تحقق عدالت و حاکمیت مطلق خدا به دست بندگان صالح و مستضعف، ذکر کرده است.

۲ «جایگاه و کارکردهای آموزه مهدویت و انتظار در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، از دیدگاه امام خامنه‌ای»، نگاشته حسن ملایی (ملایی، ۱۳۹۴: ص ۶۱-۸۴). در این مقاله، به تبیین ضرورت تمدن‌سازی و کارکردهای اندیشه انتظار در حرکت تمدنی جامعه اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب، پرداخته شده و برخی کارکردهای این تأثیر‌گذاری بیان گردیده است.

۳. «نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت»، نویسنده امیر محسن عرفان، (عرفان، ۱۳۸۹: ۱۴۹-۱۷۱). در این مقاله، نویسنده، ضمن اشاره به رویکرد سطحی و منفعلانه جامعه نسبت به آموزه مهدویت در دوران پیش از انقلاب، تلاش کرده است نقش انقلاب اسلامی در احیای آموزه مهدویت و ترویج و نهادینه‌سازی آن در جامعه را مورد تأمل قرار دهد و مواردی مانند بازتعریف مکتب‌ها؛ انتظار در فرهنگ سیاسی تشیع؛ رویکرد فعالانه و راهبردی به آموزه مهدویت؛ تبیین چشم‌انداز تشکیل حکومت در روزگار غیبت؛ بازاندیشی در ولایت فقها در روزگار غیبت و ابطال نگرش‌های ناصحیح و انحرافی از آموزه مهدویت را، از



مهم‌ترین کارکردهای تأثیر گذاری انقلاب اسلامی در این عرصه بر شمرده است. محتوای این گونه مقالات، بیش‌تر به آثار و کارکردهای فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی در حوزه مهدویت و تمدن ناظر است؛ اما آنچه در این مقاله مورد عنایت است، بررسی جایگاه و نقش اندیشه مهدویت در شکل‌گیری گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی و تحلیل بنیادهای فکری و مختصات این گفتمان، با استناد به بیانات رهبر حکیم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای است که با تکیه بر شاخص‌های مورد توجه در اندیشه مهدویت، ویژگی‌ها و کارکردهای گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی را تبیین کرده است.

۳. مفاهیم و اصطلاحات

الف) مهدویت، واژه «مهدویت» برگرفته از «مهدی» است. کلمه «مهدی» صفت مفعولی، از ریشه «هَدی» و به معنای هدایت شده به کار می‌رود (زیبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ص ۲۵۴ و فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۷۸۴). در فرهنگ شیعی، «مهدویت» از «مهدی»، لقب معروف امام دوازدهم شیعیان اخذ شده و بیانگر اعتقاد به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل جامعه موعود آرمانی توسط آن حضرت در پایان تاریخ است که در آیات و احادیث به آن بشارت داده شده است. اصطلاح مهدویت - با توجه به کاربردهای آن در سخنرانی‌ها، مقاله‌ها، کتاب‌ها، نشریه‌ها و مانند آن - به آموزه‌ها و بحث‌هایی ناظر است که به گونه‌ای با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط دارد (سلیمیان، ۱۳۸۸: ص ۴۳۴). بنابراین، عنوان «مهدویت»، مجموعه‌ای معارف عقلی، نقلی و تاریخی مربوط به زندگی، ویژگی‌ها و سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در بر می‌گیرد.

ب) گفتمان، واژه «گفتمان» فارسی است که از دو کلمه «گفت» و «مان» ترکیب شده و به معنای گفت‌وگو، منطق، سخن و پیام است (فرقانی، ۱۳۸۳: ص ۶۰-۵۹ و فردوس، ۱۳۹۰: ص ۸). واژه «گفتمان» در معادل‌های دیگری همچون «مقال»، «سخن» و «گفتار» نیز به کار می‌رود. از این‌رو، برخی گفتمان کاوان، این واژه را مترادف و هم معنا با واژگان «سخن»، «نظم گفتار»، «متن»، «زبان»، «کنش گفتار» و «کردار گفتار» ذکر کرده‌اند (فردوس، ۱۳۹۰: ص ۸). برخی دیگر، واژه «گفتمان» را مجموعه‌ای معنادار از علائم و نشانه‌های زبان شناختی و فرازبان شناختی که هم در برگرفته بُعد مادی و هم مزین به بُعد نظری است؛ معنا کرده‌اند (تاجیک، ۱۳۸۳:

ص (۲۱).

در محاورات عرفی، «گفتمان» به معنای گفت‌وگو، انتقال پیام و به‌طور کلی زبان گفتاری یا شیوه‌ای سخن‌گفتن بر موضوعی خاص برای رسیدن به هدف مشترك به کار می‌رود (فخرایی، ۱۳۸۴: ص ۷-۸)؛ اما در متون تخصصی، مقصود از «گفتمان»، رویکرد جدید در تحلیل پدیده‌های انسانی است (بهریزی لک، ۱۳۸۶: ص ۸۳).

امروزه اصطلاح «گفتمان»، در رشته‌های مختلف علمی، کاربرد شایع پیدا کرده است (ادیب زاده، ۱۳۸۷: ص ۱۱)؛ به‌گونه‌ای که گفتمان حاکم بر هر موضوع، تعیین‌کننده بخشی از هویت آن شمرده می‌شود و بدون آن، نمی‌توان واقعیت مسائل را به درستی درک کرد؛ زیرا هر حادثه‌ای در درون گفتمان خودش قابل فهم و تحلیل است و برای هر عصری، گفتمان خاصی وجود دارد که منعکس‌کننده ویژگی‌های فکری و رفتاری حاکم بر فرد و جامعه در آن عصر است. از این‌رو، تبیین نظام‌مند مناسبات کاربرد زبان، باورها و تعامل، از نتایج مطالعات گفتمانی شمرده می‌شود.

ج (تمدن، «تمدن» واژه عربی از ریشه «مدن»، به معنای اقامت گزیدن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ص ۴۰۲) و خو گرفتن به اخلاق و شیوه‌ای زندگی شهری است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱۱، ص ۵۵). به «شهر» از آن‌رو «مدینه» گفته می‌شود که مردم در آن اقامت گزیده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۱۰۱). در محاورات عربی، از «تمدن» به «الحضاره» که به معنای سکونت در شهرها و جاهای آباد است، تعبیر می‌شود (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۶، ص ۲۸۶). در زبان فارسی نیز «تمدن» به معنای شهرنشینی (معین، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۱۳۹) و آشنا شدن با آداب و رسوم زندگی شهری و خروج از حالت بدوی و بیگانگی معنا شده است (دهخدا، ۱۳۴۱: ص ۹۴۲؛ طوسی، ۱۳۹۵: ص ۱۵۴؛ نفیسی، ۱۳۷۵: ص ۹۰۶ و بختی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۸۹).

در مفهوم تمدن، نوعی گرایش به عقلانیت، نظم‌پذیری، قانونمندی و داشتن اخلاق جمعی که لازمه زندگی شهری است؛ نهفته است. از این‌رو، تمدن به مجموعه‌ای از دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و رسوم که به تأسیس نهادها، ابداعات و فعالیت‌های تکاملی گروه‌های انسانی منجر گردد، تعریف شده است (ر.ک، روح الامینی، ۱۳۷۷: ص ۴۹ و حسینی، ۱۳۸۶: ص ۲۳۳). همچنین گفته شده است، «تمدن به مرحله برون رفت آدمی از وضعیت وحشی‌گری به حالت



منظم مدنی ناظر است؛ به گونه‌ای که افراد یک جامعه را برای زندگی اجتماعی قانونمند و مسؤلیت پذیر آماده و توانا سازد (احمدی، ۱۳۸۸: ص ۲۱). از این رو، برای شکل گیری يك ساختار گفتمانی مطلوب و مثبت، عنصر گفتمان می‌باید در يك رابطه فعال معنابخش و هویت‌ساز با واقعیت، مد نظر قرار گیرد. به همین دلیل، در بررسی مفهوم و کاربردهای گفتمانی، باید ابعاد سه گانه زبانی، ارتباطی و تعاملی گفتمان، مد نظر قرار گیرد (فخرایی، ۱۳۸۴: ص ۹).

د) انقلاب اسلامی، واژه «انقلاب» عربی و از ریشه «قلب»، به معنای برگشتن، زیرو رو شدن، دگرگون شدن و تغییر است (عمید، ۱۳۹۳: ص ۱۶۷). در کاربرد زبان فارسی واژه «انقلاب» بیش‌تر محتوای سیاسی دارد و همانند «الثوره» در زبان عربی، در باره دگرگونی اجتماعی و تبدل و تغییر در نظام سیاسی به کار می‌رود (معلوف، ۲۰۰۰: ص ۱۱۷۸). در قرآن نیز واژه «انقلاب» به معنای برگشتن، تغییر جهت دادن و پشت و رو شدن، به کار رفته است، ﴿انْقَلَبْ عَلٰی وَجْهِهِ﴾ (حج: ۱۱)؛ یعنی پشت و رو شد و رو برگرداند؛ ﴿انْقَلَبْتُمْ عَلٰی اَعْقَابِكُمْ﴾ (آل عمران: ۱۴۴)؛ یعنی رویگردانی و بازگشت به دین نیاکان خود.

اصطلاح «انقلاب اسلامی» که ترکیبی از دو واژه «انقلاب» و «اسلام» است، به قیام مردمی برخاسته از ایده اسلام خواهانه یک ملت، برای ایجاد دگرگونی سیاسی و تشکیل نظام مبتنی بر قوانین و ارزش‌های اسلامی ناظر است. از این رو، برخی در تعریف آن گفته‌اند: «انقلاب اسلامی، دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن براساس جهان بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی است» (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ص ۳۷). برخی دیگر آن را به معنای تغییر نظام غیر اسلامی موجود و جایگزین کردن یک نظام جامع و کامل اسلام، معنا کرده است (صدیقی، ۱۳۷۹: ص ۴۹). آیت الله مصباح یزدی، انقلاب اسلامی را به معنای ایجاد دگرگونی بر پایه آموزه‌ای اسلامی که از سوی خداوند برای هدایت و استكمال انسان‌ها نازل شده؛ معنا کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۸۶). تأکید بر پسوند «اسلام» در تعریف «انقلاب اسلامی» به سبب آن است که فلسفه و هدف اصلی انقلاب، تحقق ارزش‌های دینی در جامعه و رشد و تعالی مادی و معنوی آن است؛ زیرا انقلاب خودش هدف نیست؛ بلکه راهی که هدف آن اسلام و ارزش‌های اسلامی است (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۲۴، ص ۱۷۲).

این اصطلاح، امروزه بیش‌تر درباره انقلاب اسلامی ایران به کار می‌رود که با رهبری امام

خمینی در سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست و سبب سقوط نظام پادشاهی و ایجاد نظام مبتنی بر احکام اسلامی و باورهای شیعی تحت عنوان «جمهوری اسلامی» گردید. از این رو، واژه «انقلاب اسلامی»، اگرچه دارای مفهوم سترگی است که به زمان و مکان خاصی تعلق ندارد؛ خاستگاه مفهومی و سیاسی آن در دوران معاصر، در انقلاب اسلامی ایران تجلی یافته است؛ همان گونه که رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را حقیقتی برآمده از سنت الاهی و پدیده منحصر به فرد معرفی کرده است که با رهبری دینی و حرکت مردمی، درصدد حاکمیت اسلام و تحقق استقلال، آزادی، عدالت و حیات طیبه است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹).

بنابراین، با توجه به ارتباط معنایی میان مفاهیم یاد شده، مراد از «گفتمان انقلاب اسلامی» در موضوع بحث، منطوق و پیام انقلاب اسلامی درباره شیوه‌ای زندگی جامعه دینی و نظام سیاسی مطلوب است. این گفتمان، حامل ایده و نظریه‌ای است که توسعه مادی و معنوی و زایش تمدنی، از آثار و نتایج آن بوده و مهدویت الهام بخش این گفتمان تمدنی است.

۴. رابطه مهدویت و گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی

اندیشه مهدویت، پیام آور تحقق آرمان‌های تاریخی و متعالی بشر از رهگذر تحقق جامعه دینی است. این تفکر، بستر شکل‌گیری انقلاب اسلامی و خاستگاه فکری آن است؛ زیرا اندیشه حکومت عدل جهانی و برچیدن نظام‌های طاغوت، اساس تفکر انقلاب اسلامی شمرده می‌شود. از این نظر، میان مهدویت و گفتمان انقلاب اسلامی، پیوندهای عمیق و نیز تأثیرات دو سویه وجود دارد؛ زیرا همانگونه که مهدویت بستر زایش گفتمان انقلاب اسلامی بوده است؛ انقلاب اسلامی نیز با الهام از مهدویت، نظریه اسلام سیاسی را تحقق بخشیده و در جهت ترویج و شکوفایی فرهنگ مهدویت، گام‌های مؤثری برداشته که در جای خود قابل تأمل است؛ اما آنچه در این بحث مورد توجه است، تأثیرات عمیق و شگرف اندیشه مهدویت در شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی و رویکرد تمدنی آن است که بدان اشاره خواهد شد.

باززترین جلوه پیوند مهدویت و گفتمان انقلاب اسلامی، وحدت در اهداف و رویکردهاست. با تأمل در آموزه‌های قرآنی و روایی، روشن می‌شود که هدف اصلی در نظام مهدوی عصر ظهور،



حاکمیت دین و استقرار کامل نظام الاهی است؛ به گونه‌ای که برپایی عدالت و دیگر دستاوردهای عظیم آن، از فروعات این هدف والا شمرده می‌شود، آثار و برکات حاکمیت دین، به قدری عظیم و گسترده است که تمامی آمال و خواسته‌های بشر را پوشش می‌دهد.

قرآن کریم، هدف کلی حکومت عدل جهانی مهدوی را، برپایی نظام الاهی و ظهور دین در تمامی عرصه‌های زندگی بشر، بیان کرده است تا انسان‌ها در پرتو نظام الاهی، به هدایت و کمال حقیقی خویش دست یابند؛ همان هدف مقدسی که غایت بعثت انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و رسول خاتم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بوده و توسط آخرین حجت الاهی محقق می‌گردد. این بشارت که وعده تخلف ناپذیر الاهی است، چنین بیان شده است، «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمرانان روی زمین خواهد کرد، همان گونه که پیشینیان آن‌ها را خلافت در زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا برجا خواهد کرد و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل خواهند کرد؛ چنان‌که تنها مرا عبادت کنند و چیزی را شریک من نسازند» (نور: ۵۵).

در آموزه‌های روایی نیز، اهداف و دستاوردهای حکومت مهدوی، تحقق کامل اسلام (عیاشی، بی‌تا: ج ۲، ص ۵۶)؛ بازگشت به قرآن (صفار، ۱۳۶۲: ص ۱۹۵)؛ جهانی شدن ندای توحید (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۴۰)؛ زدودن بدعت‌ها (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲: ص ۳۸۵) و سیطره کامل اسلام (پایان یهودیت و نصرانیت) (قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۵۸)؛ بیان شده است که ثمره شیرین آن، بسط کامل عدالت و خشنودی همه مردم (برقی، ۱۴۷۰: ج ۱، ص ۶۱) است. در چنین فضای سرشار معنویت و امنیت و عدالت، شرایط لازم برای رشد و شکوفایی و طاعت و بندگی خداوند فراهم می‌گردد و جامعه بشری در پرتو رهبری ولی خدا به اهداف آرمانی خود دست می‌یابند.

اهداف و جهت‌گیری کلی انقلاب اسلامی نیز، به اهداف الاهی و آرمانی مطرح در آموزه‌های مهدوی معطوف است. این هدف‌گذاری، در کلام رهبر معظم انقلاب، به روشنی بازگو شده است. ایشان، هدف غایی انقلاب اسلامی را رسیدن به اهدافی می‌داند که مهدویت در پی آن است، «انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان برای تأمین آن هدف ظهور می‌کند، یک مقدمه

لازم و یک گام بزرگ بوده است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۵۹/۴/۶). از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، انتظار حقیقی، آن‌گاه معنا پیدا می‌کند که سمت و سوی حرکت عمومی جامعه، به چیزی معطوف باشد که در انتظار آن است:

ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته ما کوچک‌تر از آن هستیم که بتوانیم آن‌گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

براین اساس، رهبر معظم انقلاب، خط سیر انقلاب اسلامی و نقطه عطف بالندگی آن را، ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌داند، «خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است» (همان، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴).

۵. نقش مهدویت در رویکرد تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی، ماهیتا پدیده‌ای فرهنگی و تمدنی برخاسته از ارزش‌های دینی است؛ به گونه‌ای که مفاهیم «فرهنگ» و «تمدن» با هویت انقلاب اسلامی پیوند دارد. این ویژگی، انقلاب اسلامی را به مثابه یک جریان فکری تمدن ساز و تحول آفرین در دوران معاصر تبدیل کرده است.

انقلاب اسلامی، یک تحول بنیادین بر اساس یک سلسله ارزش‌هاست؛ این دگرگون سازی فقط در سطح مناسبات اجتماعی نیست، بلکه در درجه اول، در لایه درون انسان‌ها و ذهنیت‌هاست (همان، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷). کرد کامل این تحول سازنده، رویکرد تمدنی الهام گرفته از مهدویت است که الهام‌بخش اهداف آرمان خواهانه گفتمان انقلاب اسلامی است (همان، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

از این نظر، مهدویت اساس نگرش تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی شمرده می‌شود؛ زیرا مهدویت به عنوان یک اندیشه افق‌بخش و جهت دهنده به سوی آرمان‌های بلند، تاریخ را صحنه‌ای هدفمند و رو به تحقق عدالت جهانی می‌بیند و نقشه راه آینده را تبیین می‌کند. انقلاب اسلامی، خود مرحله‌ای از این سیر تاریخی و گام بلندی در مسیر آمادگی برای ظهور است. از این‌رو، در سند مهم «بیانیه گام دوم»، به نقش بنیادین اندیشه مهدویت در رویکرد



تمدنی انقلاب اسلامی، اشاره شده و هدف غایی انقلاب اسلامی، «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظما (ارواحنافداه)» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) معرفی شده است.

طرح ایده تمدن نوین اسلامی در بستر گفتمان انقلاب از سوی آیت الله خامنه‌ای، از ثمرات این رویکرد است تا از این رهگذر، انقلاب اسلامی به اهداف راهبردی آن نزدیک گردد. از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، ایجاد تمدن اسلامی، دارای مراحل و فرایندهای است که مرحله کامل آن، تنها در عصر ظهور توسط منجی موعود الهی قابل تحقق است؛ اما مراحل نازله و مقدماتی آن در این عصر و زمان نیز امکان پذیر است:

فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است، به طور نسبی، انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آن‌ها بسیار طولانی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۹/۲۵)؛ تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه له است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد (همان، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

ایشان، اگرچه تحقق کامل تمدن نوین اسلامی به مفهوم حاکمیت اسلام بر جغرافیای جهان را در عصر غیبت کاری ناشدنی می‌داند، اما ایجاد الگوی تمدنی در بخشی از جغرافیای جهان و گسترش این فکر و پیام در دنیای کنونی را، نه تنها ممکن، بلکه حتمی می‌داند:

سرنوشت حتمی عبارت است از این که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نو انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند. به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها، تا به تدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است (همان).

آیت الله خامنه‌ای عمیقاً به امکان تحقق مراحل نسبی آرمان تمدنی اسلام در این عصر باور دارد و این امر را نه تنها در جامعه امروز قابل تحقق می‌داند بلکه مهم‌ترین رسالت امروز جوامع

اسلامی را تلاش برای برپایی شالوده تمدن نوین اسلامی بیان می‌کند:

امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده ریزی کنند. ما هم امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه امروز ما است. این ممکن است. نگویند این کار، شدنی نیست؛ این کار شدنی است، این کار عملی است (همان، ۱۳۹۴/۱۰/۳۰).

براین اساس، رسالت جامعه اسلامی در این عصر، نقش آفرینی مؤثر در جهت تحقق مراحل نسبی تمدن اسلامی و ساخت آینده مطلوب است. این رویکرد می‌تواند موجب تولید اقتدار و شکوفایی جهان اسلام گردد.

۵. جلوه‌های نگرش مهدوی در رویکرد تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی

گفتمان انقلاب اسلامی در بستر مهدویت تولد یافته و بیش از هر چیز، از آموزه‌های بنیادین مهدویت متأثر بوده است؛ به گونه‌ای که نگرش مهدوی در اصول، اهداف و رویکردهای آن، تجلی یافته است:

مسئله مهدویت در شمار چند مسئله اصلی در چرخه و حلقه معارف عالیه دینی است؛ چون آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه انبیا، همه بعثت‌ها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته بر اساس عدالت و با استفاده از همه ظرفیت‌هایی است که خدای متعال در انسان قرار داده است» (همان، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸)؛ «ما امروز در انقلاب خودمان، حرکت‌ها و روش‌هایی داریم. این روش‌ها باید به کدام سمت حرکت کند؟ این نکته بسیار شایان توجه است... غایت، جامعه آرمانی مهدوی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۵۹/۴/۶).

مهم‌ترین تجلیات اندیشه متعالی مهدویت در رویکرد تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی را می‌توان در دین‌مداری، عقلانیت و عدالت‌ورزی آن، مشاهده کرد. این سه عنصر؛ یعنی «دیانت»، «عقلانیت» و «عدالت»، شالوده‌های اصلی گفتمان انقلاب اسلامی شمرده شده و در بیانات حکیمانه رهبر معظم انقلاب نیز مورد تأکید قرار گرفته است.



الف) گفتمان معطوف به حاکمیت دینی

یکی از کارکردهای بارز تجلی اندیشه مهدویت در رویکرد تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی، دین مداری و توجه به الگوهای ارزشی در سبک زندگی و رفتارهای دین مدارانه است. همان گونه که ویژگی حکومت مهدوی، احیای دین و ایجاد تحول معرفتی در عرصه فهم دین و دین‌ورزی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از وجوه برجسته جامعه عصر ظهور را، بازگشت به قرآن و تمسک به آموزه‌های وحیانی ذکر کرده است: «يُعْطِفُ الْهُدَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُدَى وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ» (رضی، ۱۴۱۴: ص ۱۹۵). آن حضرت [مهدی] هنگامی که مردم قرآن را مستمسکی برای پندارها و محملی برای توجیه خواسته‌ها و تمایلات خود قرار داده‌اند، قرآن را محور قرار می‌دهد و همه کج فهمی‌ها، تحریف‌ها، تأویل‌ها و برداشت‌های نادرست و تحمیل شده بر دین را اصلاح می‌کند و رأی‌ها و دیدگاه‌ها را با محک قرآن می‌سنجد.

امام صادق علیه السلام درباره احیای دینی حکومت مهدوی در عصر ظهور، می‌فرماید:

يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا؛ همان گونه که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عادات جاهلیت را ویران ساخت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز برنامه‌ها و بدعت‌های تحمیل شده بر دین را زدوده و اسلام را نوسازی می‌کند (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۲۳۶ و قاضی نعمان، بی‌تا: ج ۳، ص ۵۶۴).

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

وَلَا تَتْرُكْ بِدْعَةً إِلَّا أَرَاهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا؛ هیچ بدعتی نمی‌ماند مگر این که مهدی آن را از بین می‌برد و هیچ سنت تعطیل شده‌ای نیست مگر آن که آن را برپا می‌دارد (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۸۵؛ فتال، بی‌تا: ص ۲۶۴ و بروجردی، ۱۳۹۹: ج ۱۸، ص ۴۸۱).

همان گونه که ویژگی جامعه مهدوی، تجلی کامل دین و ارزش‌های الهی در جامعه است (توبه: ۳۳ و نور: ۵۵)؛ اساس گفتمان انقلاب اسلامی، بر حاکمیت دینی، معنویت‌گرایی و سبک زندگی مبتنی بر اصول انسانی و اسلامی بنا نهاده شده است. جامع‌نگری و تأکید بر اصول و



ارزش‌های دینی، ویژگی ممتازی است که گفتمان انقلاب اسلامی را گفتمان‌های تک‌ساختی و سکولار متمایز کرده است:

انقلاب اسلامی با همه انقلاب‌های دیگر متفاوت است؛ نه يك انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه يك انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه يك انقلاب صرفاً سیاسی است؛ يك انقلاب همه‌جانبه است. مثل خود اسلام است. همان طوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روز به روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴).

گفتمان معطوف به حاکمیت دین، نمی‌تواند صرفاً به زوایای معنوی زندگی بپردازد و از وجوه ظاهری زندگی و پیشرفت‌های مادی و اقتصادی، چشم‌پوشی کند، بلکه به ملائمت و همسویی این دو قائل است؛ به گونه‌ای که ثروت و رفاه مادی آمیخته با معنویت و فضیلت‌های اخلاقی و انسانی مورد نظر است، پیشرفت و توسعه قرین با عدالت مطلوب است و علم همراه با عقلانیت سازنده است:

انقلاب اسلامی دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام کرد (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)؛ به گونه‌ای که در آن معنویت در کنار مادیت، عروج اخلاقی و معنوی و روحی و تضرع و خشوع در کنار پیشرفت زندگی مادی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۴/۱۲).

بنابراین، رویکرد تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی با الهام از تمدن آرمانی مهدوی، برپایه ارزش‌های دینی، معنویت‌گرایی و سبک زندگی مبتنی بر اصول انسانی و اسلامی بنا نهاده شده و توجه به خدا و گرایش‌های معنوی و تأکید بر فضیلت‌های اخلاقی و کرامت انسانی، برجسته‌ترین خصیصه‌ای گفتمان انقلاب اسلامی شمرده می‌شود. در این گفتمان، همه ساحت‌های زندگی انسان مورد توجه است؛ به گونه‌ای که در آن علم با اخلاق همراه و مادّیات با معنویت و قدرت سیاسی با عدالت اجتماعی قرین است.



ب) گفتمان معطوف به عقلانیت انقلابی

دومین تجلی نگرش مهدوی در رویکرد تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی، عنصر «عقلانیت» و توجه به شاخص‌های عقلانی و خردورزی در جامعه است. هر اندیشه و مکتب‌هایی که در آن تلاش برای بلوغ عقلانی جامعه فزونی یابد، تأثیرات مثبت و ماندگار آن در عرصه‌های فرهنگ، اخلاق و رشد فضایل انسانی در جامعه، بیش‌تر کرد پیدا می‌کند. از این‌رو، یکی از ویژگی‌های برجسته جامعه مهدوی، رشد عقلانیت عمومی است و عصر ظهور، عصر بلوغ عقلانی و معرفتی جامعه بشری است. امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَّعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ؛
هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، دست عنایتش را بر سر بندگان می‌نهد و عقل‌های ایشان را با آن، جمع می‌کند و خردهای‌شان با او کامل می‌شود (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۵۶ و صدوق، ۱۳۶۳: ص ۶۵۷).

از آنجا که نظام مهدوی بر پایه دین و ارزش‌های دینی بنا نهاده شده است، عقلانیت معطوف به مهدویت نیز، عقلانیت دینی است که در آن، رشد مادی و معنوی توأم مورد توجه بوده و آزادگی و فرزاندگی با عبودیت و بندگی خدای متعال، مفهوم پیدا می‌کند. در گفتمان انقلاب اسلامی نیز، عقلانیت مطلوب و تکامل بخش، در نسبت آن با دین معنا پیدا می‌کند؛ زیرا این گفتمان با شعار حاکمیت اسلام آغاز و سیاست‌های کلی آن بر اساس محاسبات عقلانی تنظیم شده است:

انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این طور نبود که مردم همین طور بی حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن چنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶)؛ محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول براساس منطق عقلانی و یک قوه عاقله‌ای بوده است. عناصری که این محاسبات را شکل می‌داده عبارت است از، اعتماد به خدا و سنن آفرینش، بی‌اعتمادی به دشمن و شناخت او، اعتماد به مردم، خودباوری و این که ما می‌توانیم (همان).

نگرش عقلانیتی گفتمان انقلاب اسلامی، بیش‌تر در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌های راهبردی آن کارکرد پیدا می‌کند. آیت الله خامنه‌ای، عقلانیت در این حوزه را، دور اندیشی و محاسبات

صحیح در تصمیم سازی‌ها معنا کرده است، «عقلانیت به معنای محاسبه درست است؛ محاسبه صحیح و درست دستگاه محاسباتی سالم؛ عقلانیت به این معنا است (همان، ۱۳۹۹/۰۷/۲۱). ثمره دور اندیشی و کاربست نیروی عقل و خرد، نگاه هدفمند و تصمیم صحیح است:

عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن، مشعل خرد انسانی را به دست انسان سپردن، تا راه را با این مشعل تشخیص بدهد و قادر بر طی کردن آن راه باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۴/۲۹).

کاربست نیروی ادراکی عقل، اندیشه و رفتار انسان را استحکام می‌بخشد و تصمیم‌گیری‌های او را ثمر بخش می‌کند.

عقلانیت، به مفهوم دوراندیشی و آینده‌نگری در تصمیم‌گیری‌ها، از وجوه اصلی گفتمان انقلاب اسلامی برای شکل‌گیری جامعه صالح و رشد آگاهی و فرزانی در جامعه محسوب می‌شود؛ همان گونه که اساس حرکت اصلاحی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ارتقای عقلانیت اجتماعی بوده است:

اولین کار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، إثارة عقل است؛ برشوراندن قدرت تفکر است. قدرت تفکر را در يك جامعه تقویت کردن؛ این حلال مشکلات است. عقل است که انسان را به دین راهبرد می‌دهد، انسان را به دین می‌کشاند. عقل است که انسان را در مقابل خدا به عبودیت وادار می‌کند. عقل است که انسان را از اعمال سفیهانه و جهالت‌آمیز و دل دادن به دنیا باز می‌دارد؛ عقل این است. لذا اول کار این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد؛ تکلیف ما هم این است (همان).

این رویکرد عقلانی، در تمامی عرصه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، مصداق می‌یابد:

در همه مسائل مهم اگر بخواهیم کارها درست پیش برود، بایستی بر مبنای عقلانیت عمل کنیم. ما ظلم‌ستیزی را هم بر اساس عقلانیت می‌گوییم، عدالت‌خواهی هم باید بر اساس عقلانیت باشد، مبارزات اجتماعی ما هم باید بر اساس عقلانیت و محاسبه درست باشد؛ گرفتار حاشیه نشویم، اصل و فرع را هم اشتباه نگیریم (همان، ۱۳۹۹/۰۷/۲۱).

در این نگرش، مفهوم «عقلانیت» علاوه بر وجه ایجابی، وجه سلبی نیز دارد. وقتی از عقلانیت



سخن گفته می‌شود، باید عوامل ضد عقلانیت نیز مورد توجه قرار گیرد. عقلانیت آن‌گاه ممدوح است و معنای حقیقی خود را خواهد یافت که در مقابل افراط و تفریط قرار داشته باشد. از این‌رو، عقلانیت حقیقی نباید با عقل نمایی اشتباه شود. عقلانیت مبتنی بر محاسبات منطقی با محافظه‌کاری کاملاً متفاوت است «عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست» (همان، ۱۳۸۸/۴/۲۹).

بنابراین، عقلانیت مورد توجه در کلام رهبری، عقلانیت انقلابی و تعالی محور است که براساس آن مسائل و مشکلات فراروی جامعه را می‌توان چاره‌اندیشی کرد. اساس عقلانیت انقلابی و تعالی محور، شجاعت، حکمت، عدالت و معنویت است، ترس و مصلحت‌اندیشی‌های ناشی از آن، آفت عقلانیت است:

بعضی‌ها اسم عقل و عقلانیت را که می‌آورند، منظورشان از عقلانیت ترسیدن است؛ وقتی می‌گویند عاقل باشید، یعنی بترسید، یعنی منفعل باشید، یعنی از مقابل دشمن فرار کنید! نه، ترسوها حق ندارند اسم عقلانیت را بیاورند. عقلانیت یعنی محاسبه درست (همان، ۱۳۹۹/۷/۲۱).

حتی در حوزه نظامی: مبنای اقتدار در جمهوری اسلامی، یک مبنای «عقلانیتی» است؛ یعنی ما اقتدار را بر اساس احساسات و عواطف و توهّمات و مانند این‌ها دنبال نمی‌کنیم. محاسبه اقتدار ملی یک محاسبه عقلانی است؛ یعنی یک محاسبه درست و منطقی (همان). بنابراین، نگرش عقلانیتی به معنای محاسبات منطقی، نوگرایانه و مطابق با واقعیت‌ها، یک اصل بنیادی در رویکرد کلی گفتمان انقلاب اسلامی است.

ج) گفتمان معطوف به عدالت اجتماعی

یکی دیگر از جلوه‌های نگرش مهدویت در رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی، عدل‌ورزی و تحقق عدالت در جامعه است؛ همان‌گونه که حکومت عدل جهانی مهدوی، بیش‌تر با این ویژگی شناخته می‌شود و شاخص‌ترین جلوه‌ی حکومت مهدوی در پایان تاریخ، عدالت‌گستری، یاد شده است، «الَّذِي يَأْتِي الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا» (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۲۶). از این‌رو، دیده می‌شود که در طول تاریخ، همه پیامبران الهی عليه السلام، به استقرار عدالت در جامعه

اهتمام ورزیده‌اند «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ (حدید: ۲۵). در اسلام نیز تشکیل جامعه عادلانه، آرمانی اجتماعی شمرده می‌شود «در تمام آثار دینی که شما نگاه می‌کنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه اسلامی، تشکیل جامعه عادلانه است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۶/۳)؛ زیرا جامعه بشری در هیچ مقطعی از تاریخ، عدالت فراگیر را به طور کامل تجربه نکرده و طعم شربین آن را نچشیده است و این آرمان دیرین بشری، تنها در حکومت عدل مهدوی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ به طور کامل تحقق یافته و به منصف ظهور می‌رسد. به همین دلیل، در نظام مهدوی، هیچ چیزی به اندازه «عدالت»، برجسته نشده است «برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت» (همان، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)؛ تا جایی که از حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ به «الْعَدْلُ الْمُنْتَظَرُ» (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۱۱۰) یاد شده است؛ چرا که او تجسم عدل و عینیت بخش عدالت در جهان است. بدیهی است، در گفتمان مبتنی بر اندیشه مهدویت نیز، عدالت ورزی و تلاش برای استقرار عدالت اجتماعی، جزء اصول بنیادین آن شمرده می‌شود:

عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است. این کلمه مقدس در همه زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - میسر نخواهد شد؛ ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای برعهده همه به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است «(خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۴). «نظام اسلامی، نظام عدالت است. شما که آرزومند و مشتاق ظهور خورشید مهدویت در آخر الزمان هستید و الآن حدود هزار و دویست سال است که ملت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ است، چه خصوصیاتی برای آن بزرگوار ذکر می‌کنید؟ «الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا» (خزار قمی، ۱۴۰۱: ص ۸۹). «این نظام اسلامی که به وجود آمده است؛ اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل می‌خواهیم. کارهای گوناگون مبارزه، جنگ، سازندگی، توسعه را برای قسط و عدل می‌خواهیم؛ برای این که در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسان‌ها می‌توانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست آورند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۰۴/۲۵).



گفتمان معطوف به عدالت، مستلزم استکبار ستیزی و دفاع مستمر از مظلومان عالم در برابر سلطه زورگویان است. اسلام اجازه نمی‌دهد جامعه اسلامی در برابر سلطه طلبی‌های مستکبران و زورگویان، بی‌تفاوت باشد. به گفته امام راحل: ملت اسلام، پیرو مکتب‌هایی است که برنامه آن در دو کلمه خلاصه می‌شود، «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹)؛ نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید (امام خمینی، ۱۳۸۴: ج ۱۴، ص ۸۱). براین اساس، آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از الزامات گفتمان انقلاب اسلامی را، مبارزه همیشگی با مستکبران می‌داند:

در ایران هر کسی که به انقلاب اسلامی و به اسلام و به پایه‌های اسلامی این انقلاب اعتقاد دارد، لاجرم به مبارزه همیشگی با پرچمداران قدرت استکباری دنیا که امروز در راس آن‌ها امریکا است نیز اعتقاد دارد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۸/۱۰)؛ انقلاب اسلامی ایران با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن‌کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۰/۱۵).

براین اساس، عدالت ورزی، ظلم ستیزی و حمایت از مظلومان و ستم‌دیدگان، یک اصل پایدار و ثابت در گفتمان انقلاب اسلامی است که با دگرگونی‌های شرایط زمانه، تغییر نیافته و کهنه و فرسوده نمی‌شود:

هدف‌هایی که این انقلاب ترسیم کرده، با ذات و نیازهای ذاتی انسان، آمیخته است. هدف‌های این انقلاب، عدالت خواهی، تکریم انسان، مبارزه با ستمگری، دفاع از مظلوم، پر کردن شکاف‌های طبقاتی است... این شعارها، هرگز کهنه نمی‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۵/۱۷).

بنابراین، همان‌گونه که تحقق عدالت، دغدغه دیرین بشر بوده و فقدان عدالت در طول تاریخ، رنج‌ها و ستم‌های بی‌شماری را بر انسان‌ها تحمیل کرده است، بسط عدالت در جامعه نیز، می‌تواند همه دردها را درمان کند و مشکلات و نارسایی‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره را سامان بخشد؛ زیرا توسعه مبتنی بر عدالت، موجب تأمین حقوق همه قشرهای جامعه در نظامات اجتماعی می‌گردد. به همین دلیل، عنصر «عدالت» و مبارزه با نمادهای ظلم و فساد، همواره در هسته تفکر انقلاب اسلامی جای دارد و هیچ‌گاه در حاشیه قرار نمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، روشن گردید که گفتمان انقلاب اسلامی، برپایه اندیشه دینی با الهام از مهدویت و انتظار، شکل گرفته و نقش مؤثری بر احیای هویت دینی و رویکرد تمدنی جامعه اسلامی داشته است. گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر محوریت دین، عقلانیت و نهادینه سازی عدالت در جامعه، زمینه‌های فکری و اجتماعی حرکت تمدنی جامعه اسلامی در دوران معاصر را فراهم کرده و با استفاده از ظرفیت‌های موجود و تشکیل حکومت دینی، گام مهمی برای تحقق الگوی عینی تمدن نوین اسلامی در بخشی از جغرافیای جهان، برداشته است. تشکیل نظام دینی، تکیه بر عقلانیت، منطق و خردگرایی، تمرکز بر عدل‌ورزی و تحقق عدالت اجتماعی؛ از جلوه‌های بارز نگرش مهدوی در رویکرد تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی شمرده می‌شود. توجه به این عناصر و شاخص‌ها، زمینه‌های فکری تحقق اهداف راهبردی گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه‌های دین، فرهنگ، اقتصاد و سیاست را، فراهم ساخته و حرکت در مسیر تمدن سازی و ایجاد «تمدن نوین اسلامی» مورد توجه در بیانات رهبر معظم انقلاب را، ممکن کرده است.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*، محقق، محمد هارون عبد السلام، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزه.
۳. احمدی، محمد مهدی (۱۳۸۸). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، بوستان کتاب.
۴. ادیب زاده، مجید (۱۳۸۷). *زبان گفتمان و سیاست خارجی، دیالیک تیک باز نمایی از غرب در جهان نمادین ایرانی*، تهران، نشر اختران.
۵. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۶). *صحیفه امام* (مجموعه بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات، شرعی، نامه‌ها)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۶. بختی، کامران (۱۳۷۱). *فرهنگ انگلیسی فارسی، مترادف و متضاد*، تهران، نشر کلمه.
۷. برقی، احمد بن خالد (۱۴۷۰ق). *المحاسن*، مصحح: سیدجلال الدین حسینی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۸. بروجردی، سیدحسین طباطبایی (۱۳۹۹). *جامع أحادیث الشیعة*، قم، المطبعة العلمیة.
۹. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی عربی فارسی* (ترجمه کامل المنجد الابجدی)، مترجم: رضا مهیار، تهران، اسلامی.
۱۰. بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۶). *مهدویت پژوهی، دو نگرش مکتب‌واره و دکترینال*، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲۰.
۱۱. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). *گفتمان پادگفتمان و سیاست*، بی‌جا، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*؛ محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۳. حسینی، عارف (۱۳۸۱). *رؤیاری تمدن اسلامی و مدرنیته*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.

۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹). متن «بیانیه گام دوم انقلاب» ماهنامه آموزشی اطلاع‌رسانی معارف، شماره ۱۱۶.

۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، تهران، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

۱۶. خزاز قمی، علی (۱۴۰۱ق). کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر علیهم‌السلام، محقق: سید عبد اللطیف حسینی کوه‌کمری، قم، بیدار.

۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱). لغتنامه دهخدا، زیر نظر دکتر معین، تهران، شرکت چاپ افست گلشن.

۱۸. روح الامینی، محمود (۱۳۷۷). زمینه فرهنگ شناسی، بی‌جا، انتشارات مهدی.

۱۹. زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، محقق: علی شیری، بیروت، دار الفکر.

۲۰. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۸). فرهنگ نامه مهدویت، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه‌السلام و رحمة‌الشریف.

۲۱. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة، قم، نشر هجرت.

۲۲. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۵ق). کمال الدین و تمام النعمه، محقق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

۲۳. صدیقی، کلیم (۱۳۷۹). نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خسروشاهی، سیدهادی، تهران، بی‌نا.

۲۴. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات، مصحح: میرزاحسن کوچه باغی، تهران، منشورات الأعلمی.

۲۵. طوسی، نصیرالدین (۱۳۹۵). اخلاق ناصری، بی‌جا، نشر فردوس.

۲۶. طوسی، محمد (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام؛ محقق: خراسان، حسن الموسوی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

۲۷. عمید، حسن (۱۳۹۳). فرهنگ عمید، تهران، نشر امیرکبیر.

۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود (بی‌تا). تفسیر العیاشی، محقق: سید هاشم رسولی



محلّاتی، تهران، المكتبة العلمیه الاسلامیه.

۲۹. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (بی تا). *روضه الواعظین*، قم، انتشارات رضی.

۳۰. فخرایی، تژامیر (۱۳۸۴). *فرایند تحلیل گفتمان*، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*، محقق: مهدی مخزومی و ابراهیم

سامرائی، قم، هجرت.

۳۲. فردوس، آفاگل زاده (۱۳۹۰). *تحلیل گفتمان انتقادی*، مشهد، شرکت انتشارات علمی و

فرهنگی.

۳۳. فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۳). *راه دراز گذار*، تهران، نشر فرهنگ و اندیشه.

۳۴. فقیه ایمانی، مهدی (۱۴۱۸ق). *اصالت مهدویت در اسلام*، قم، بی نا.

۳۵. قاضی نعمان، محمد (بی تا). *شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الاطهار*، محقق:

سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

۳۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر قمی*، محقق: طیب موسوی جزائری، قم، دار

الکتاب.

۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران،

دارالکتاب ها الاسلامیه.

۳۸. گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۹). *افق جهانی مدل مدیریت راهبردی موعودگرا*، تهران،

دانشگاه امام صادق علیه السلام و دانشگاه عالی دفاع ملی.

۳۹. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۴۰. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۰). *انقلاب اسلامی و ریشه های آن*، محقق: قاسم

شبان نیا، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

۴۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و

نشر کتاب.

۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا.

۴۳. معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی معین*، تهران، چاپخانه سپهر.

۴۴. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، بیروت،

دارالمفید.

۴۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ ق). *الغیبه*، محقق: فارس حسون کریم، قم، انوار

الهدی.

۴۶. نفیسی، سعید (۱۳۷۵). *فرهنگ نفیسی*، تهران، صفی علیشاه.

